

جادوی زمان

« ۵ »

دکتر مهدی غروی

- ۲۸ -

ابوالفضل می نویسد: امپراتور اکبر فرمان داد که نقاشان تصاویری از همه رجال دربار تهیه کنند و این کار را در مرقع‌های نفیس گرد آورند، درین که این مرقع‌ها تهیه شده شکی نداریم اما متأسفانه امروز اثری از آن در دست نیست یا بکلی مفقود شده‌اند یا اینکه اصولاً کار ناتمام مانده است، بحث درباره این کار بواسطه کمیابی مواد مشکل است زیرا فقط چند نمونه محدود ازین کارها برجای مانده و امید است که درآینده کارهای بیشتری بدست آید، بهرحال این کار در عصر جانشین اکبر جهانگیر ادامه یافت و بحد کمال رسید.

می‌توان گفت که نمونه کارهای عهد اکبر در عصر جهانگیر و شاه جهان وجود داشته که از روی آن کارهای تازه‌ای تهیه و بصورت آلبوم درآمد است، بهترین نمونه این آلبوم‌ها که در آن تصاویری از رجال عهد اکبر می‌توان یافت مرقع گلشن کتابخانه سلطنتی در تهران است.^۱

اصولاً هنرمندان عصر اکبر آنچنان سرگرم تهیه کتابهای بزرگ بوده‌اند که فرصت تهیه این تصاویر را نداشته‌اند و آنچه که ازین دوره بهترین وجه در دست است، تصاویر اکبرنامه است که در حکم يك آلبوم از تصاویر رجال دوره اکبری است، علت دیگر کمیاب بودن این نوع کارها از عصر اکبر این است که اصولاً نقاشی عصر اکبر دنباله نقاشی صفوی متقدم است و درین مکتب این کار رواج نداشت، از میان استادان ایرانی نیز فقط عبدالصمد بود که به این رشته علاقه فراوان داشت و توانست برای هنرمندان با استعداد هندی راهنمایی خوب باشد و این نحوه جدید نقاشی اسلامی - ایرانی - هندی را پایه‌گذاری کند.

شاگردان استاد عبدالصمد درین مرحله ترقی فراوان کردند و همینکه در عصر جهانگیر دیگر کتاب مهمی نمانده بود که تهیه و نقاشی شود، عصر پرتله سازی و نقاشی غیر مینیاتور هند راه جدیدی را در پیش گرفت و ترقی کرد و بجائی رسید که

در سراسر شرق بی نظیر بود، در اوج اعتلا و درخشش.

- ۲۹ -

مکتب نقاشی مغولی هند را همایون تأسیس کرد، اما این مکتب در عهد اکبر شکل گرفت و موجودیت یافت و در عهد جهانگیر خود را بکلی از قید و بند مکتب مادر یعنی سبک متقدم صفوی رها ساخت، یعنی اگر بخواهیم این مکتب را هند - ایرانی بخوانیم هنگامی که عصر جهانگیر فرا می‌رسد دیگر این نام بدان برازندگی ندارد، نه تنها از آن لحاظ که این سبک خود را از قید تقلید و الهام از مکتب صفوی تا حدودی رها ساخته است بلکه ازین لحاظ که از بند نقاشی سنتی هند نیز خارج شده و خود موجودیت مستقلی یافته است که لقب مغولی بر آن برازندگی دارد.^۲ با دو خصیصه اصلی که عبارتست از: رجوع بطبیعت و ساختن هر چیز از روی اصل، همان گونه که رنسانس هنری اروپا نیز عمل کرد و پیشرفت نمود و تکاپو برای

۱ - مرقع گلشن یکی از کاملترین و پرازش‌ترین آلبوم‌های گران‌قیمت است که از هنر عصر متقدم صفوی و باری هند فراهم و به نحوی به ایران منتقل شده است و اکنون به کتابخانه سلطنتی ایران تعلق دارد این مجموعه را بانو گدار در شماره سال ۱۹۳۷ آثار ایران معرفی کرده و درباره نقاشان عصر باری هند نیز مطالب و اطلاعات جالبی به خواننده می‌دهد. در پایان مقاله فهرستی از نقاشان و شخصیت‌های نقاشی شده ارائه شده است. توبورجاهک نیز در کتاب خود مینیاتورهای هند و چند اثر از شاهکارهای موجود در مرقع گلشن را بچاپ رسانده است.

۲ - آنچه در فارسی بنام مغول شهرت دارد در زبانهای اروپائی Mongol است و این مغول که عنوان بابریان هند است درین زبانها Mughal نوشته می‌شود بنابراین خطاب مغولی به نقاشیهای سبک هند و ایران عصر امپراتوران مسلمان تیموری هند ممکن است تخلیعی ایجاد کند و امر را بآن گروه که به نفوذ مغولان اولادچنگیز در نقاشی مینیاتور ایران اعتقاد شدید دارند مشتبه سازد، بنابراین بهتر است ما در متون فارسی خود بدان بجای مغولی باری بگوئیم، همانطور که در تاریخ ایران به فرزندان تیمورگورکانی خطاب می‌کنیم و این سلسله هندی را که از اولاد بابر نواده تیمور بوده‌اند بایریان می‌گوئیم.



تصاویر بابرنامه‌ها می‌توان درموزه بریتانیا،
 موزه ویکتوریا والبرت لندن (ناقص)، موزه
 لوور و موزه لنینگراد دید. اینها یادعصر اکبر
 و بابلافاصله پس از فوت او درعهد جهانگیر تهیه
 شده‌اند. نسخه پنجم درموزه دهلی است و حامل
 امضاء وخط شاه جهان است که حاوی ۱۸۳ نقاشی
 است وچهل و هشت نقاش درتهیه آن همکاری
 داشته‌اند بشرح زیر: ۱- آنانت، ۲- آسی،
 ۳- آسی کهر، ۴- ابراهیم کهر، ۵- کساوا
 کهر، ۶- کم کران، ۷- کم، ۸- گومیند،
 ۹- جاگانت، ۱۰- جمشید، ۱۱- جمال،
 ۱۲- تولسی، ۱۳- دولت، ۱۴- دولت‌خانه
 زاد، ۱۵- دانارج، ۱۶- دانو، ۱۷- دارا
 مداس، ۱۸- تقی‌خانه‌زاد، ۱۹- ناندکلان،
 ۲۰- ناندکونر، ۲۱- نارسینگ، ۲۲- نانام،
 ۲۳- پاینگ، ۲۴- پارس، ۲۵- پرم،
 ۲۶- ماتو، ۲۷- فرخ‌چلا، ۲۸- باند،
 ۲۹- بانواری خورد، ۳۰- باگوان،
 ۳۱- باوانی، ۳۲- بهاگ، ۳۳- بهیم
 گجراتی، ۳۴- بهورا، ۳۵- مانگارا،
 ۳۶- منصور، ۳۷- واه، ۳۸- مادهو،
 ۳۹- مسکین، ۴۰- محمد کشمیری،
 ۴۱- لاج من، ۴۲- لنگا، ۴۳- شانکار،
 ۴۴- شیودرس، ۴۵- سروان، ۴۶- درشماره ۴۷
 ۴۸- هجره، ۴۹- حسین چلا. درشماره ۴۴
 تاریخ اجرا ۱۰۰۶ (۱۵۹۸) ذکر شده است.



یکی از بهترین کارهای باامضای نادر الزمان (عمل کمترین مریدزادهای بااخلاص ابوالحسن) که در آن ترازو و زنجیر عدل جهانگیر هم نشان داده می شود. درعالم خیال امپراتور سر ملک عنبر حبشی را که در دکن مقاومت می کرد با تیری می زند. این نقاشی در ۱۹۳۹ در حراج سوت بای لندن فروخته شد.

اصلاح و پیشرفت و بهبود کار بهر طریق که ممکن باشد.

اما در رأس همه عوامل که این مکتب دوم بآبیری (جهانگیری) را ابداع کرد نحوه تفکر و خصایص ذاتی شخص جهانگیر قرار داشت، گروهی از تاریخ‌نویسان و پیرا پادشاهی راحت‌طلب، شرابخوار و عیاش دانسته‌اند و دلیل بارز این ادعا را کشتن ناجوانمردانه شیرافکن‌خان شوهر اول نورجهان می‌دانند که گفته شده است در جنگ‌های بنگال توسط عمال شاه کشته شد که وی بتواند به عشق ناکام خود نسبت به نورجهان سروصورتی بدهد، گرچه پس از این واقعه نیز سالها نورجهان در برابر نمایلات جهانگیر مقاومت کرد و حاضر نشد که باز دواج با وی تن در دهد.^۴

- ۳۰ -

جهانگیر بسیار شبیه پدر بزرگش بابر بود، بزبانیهای طبیعی عشق می‌ورزید و هر چیز زیبا را دوست داشت. بابر در خاطراتش از زیبایی باغهای کابل و بدخشان بسیار نوشت و جهانگیر در توزک جهانگیری از صفا و طراوت کشمیر قلم‌فرسائی کرد، تفاوت میان دو حکمران درین بود که بابر فقط از زیباییهای طبیعی لذت می‌برد اما جهانگیر علاوه بر زیباییهای طبیعی از زیباییهای مصنوعی ساخته دست بشر نیز می‌توانست بهره‌مند شود، یعنی وی وارث کتابخانه‌ای شده بود که از لحاظ آثار هنری دست اول بسیار غنی بود، بابر که از نوجوانی بر پشت اسب ماوی داشت و خود پادشاهی بزرگی تأسیس کرده بود از هنر سررشته‌ای نداشت اما جهانگیر که در عصر ولایت‌عهدی تحت تأثیر استادان هنرمند و ادب‌دوست، هنرمند و هنرشناس شده بود منتقدی زبردست گردید و همانند شاه‌عباس از مشوقان بزرگ عالم هنری اسلامی گردید، او درین مرحله کمی شبیه افراد خاندان مدیسی در ایتالیا شد و به پایه هنردوستانی چون شارل پنجم فرانسه و فیلیپ چهارم اسپانی رسید، تا آن حد که هنرمندان را از خاندان خود می‌دانست و ما می‌دانیم که گروهی ازین هنرمندان کلمه خانه‌زاد را جزو امضای خود داشتند زیرا در کاخهای سلطنتی تولد می‌یافتند و تحت توجهات امپراتور نشوونما داشتند، جهانگیر برخلاف پدر و پدر بزرگش دچار گرفتاریهای سیاسی نبود و فقط در دکن سردارانش از ملک عنبر سردار حبشی جنوب هند شکست خوردند و جهانگیر تا آخر نتوانست انتقام این شکست را بگیرد و این سردار تا سال ۱۰۳۶ (۱۶۲۸) یعنی یکسال پیش از مرگ جهانگیر زنده بود، فقط بدستور جهانگیر نقاش محبوب ابوالحسن تصویری از ملک عنبر کشید که در آن جهانگیر که روی کره زمین ایستاده است با تیر و کمان دشمن را از پای درمی‌آورد^۴ اکبر نیز نسبت به یکی از دشمنانش بدین گونه انتقام‌جوئی کرده بود.^۵

- ۳۱ -

هنگامی که آقا رضا از ایران بهند آمد، جهانگیر تحت

عنوان شاهزاده سلیم ولیعهد اکبر بود و خود دستگاه هنری خاص داشت، جدا از دستگاه اکبر و این آقا رضا گروهی از نقاشان جوان را درین مکتب تعلیم می‌داد، ابوالحسن پسرش

۳ - جهانگیر از عیاشیهای خود (شکار و شراب) در توزک بتفصیل سخن می‌راند اما همیشه از اعتدال در شرابخواری تعریف می‌کند و می‌نویسد که برادرم دانیال درباره شراب بی‌اختیار بود و به منع پدرمان نیز توجه نداشت و حتی هنگامی که امپراتور اکبر خان خانان را مأمور اجرای این منع ساخت دانیال در لوله تفنگی بنام یکه و جنازه که بسیار در نزدش گرامی بود مخفیانه شراب می‌خورد و سرانجام نیز در سن ۳۳ سالگی مرد ۱۶۰۴ (۱۰۱۳) برادر دیگرش مراد نیز در سال ۱۶۰۹ (۱۰۱۷) در اثر شرابخواری مرده بود، درباره خودش و مقدار شرابخواری خود نیز مطالب و آمارهای جالب دارد، یک بار نیز یک پیاله برای شاه‌عباس فرستاد و خواهش کرد که با نوشیدن شراب از آن، پیاله را تبرک کند و برای وی پس بفرستد شاه‌عباس نیز پیاله را مرصع و مطلقاً ساخت و برایش فرستاد و جهانگیر تا آخر عمر ازین پیاله شراب می‌نوشید. درباره مسئله نورجهان و شیرافکن‌خان جهانگیر در توزک ساکت است و سخنی نمی‌گوید اما همینکه در یک شاهکار نورجهان شیری را شکار می‌کند یکی از اشعاران فی‌البدیهه می‌سراید:

نورجهان گرچه بظاهر زن است

در صف مردان زن شیرافکن است

شاه با اینکه کتایه مستتر در شعر را درک کرد اما بشاعر چیزی نگفت و سکوت کرد. توزک جهانگیر ص ۲۸۲، چاپ نولکشور. جهانگیر در وقایع سال دوم سلطنت خویش شرح کشته شدن شیرافکن‌خان را چنین می‌نویسد:

علیقلی مذکور (استاجلو) سفره‌چی شاه اسماعیل والی ایران بود بعد از فوت او بنا، شرارت و فتنه‌انگیزی که در طبیعت داشت گریخته بفرندهار آمد و در ملتان خانخانان را . . . ملاقات کرد . . . خانخانان او را غایبانه داخل بندهای عرش‌آشایی (اکبر) ساخت و در آن سفر خدمات بتقدیم رسانیده بمنصب فراخور حالت خود سرافراز گردید . . . مدتی در خدمت والد بزرگوارم بود و در ایامی که خود بدولت متوجه ولایت دکن شدند . . . نوکر من شد او را بخطاب شیرافکن سرافراز ساختم . . . چون از اله‌آباد بملازمت والد بزرگوار خود آمدم . . . از خدمت من جدائی اختیار نمود بعد از جلوس . . . در صوبه بنگاله حکم جاگیر کردم . . . اخبار رسید که امثال این فتنه‌جویان را در بنوایست گذاشتن لایق نیست . . .

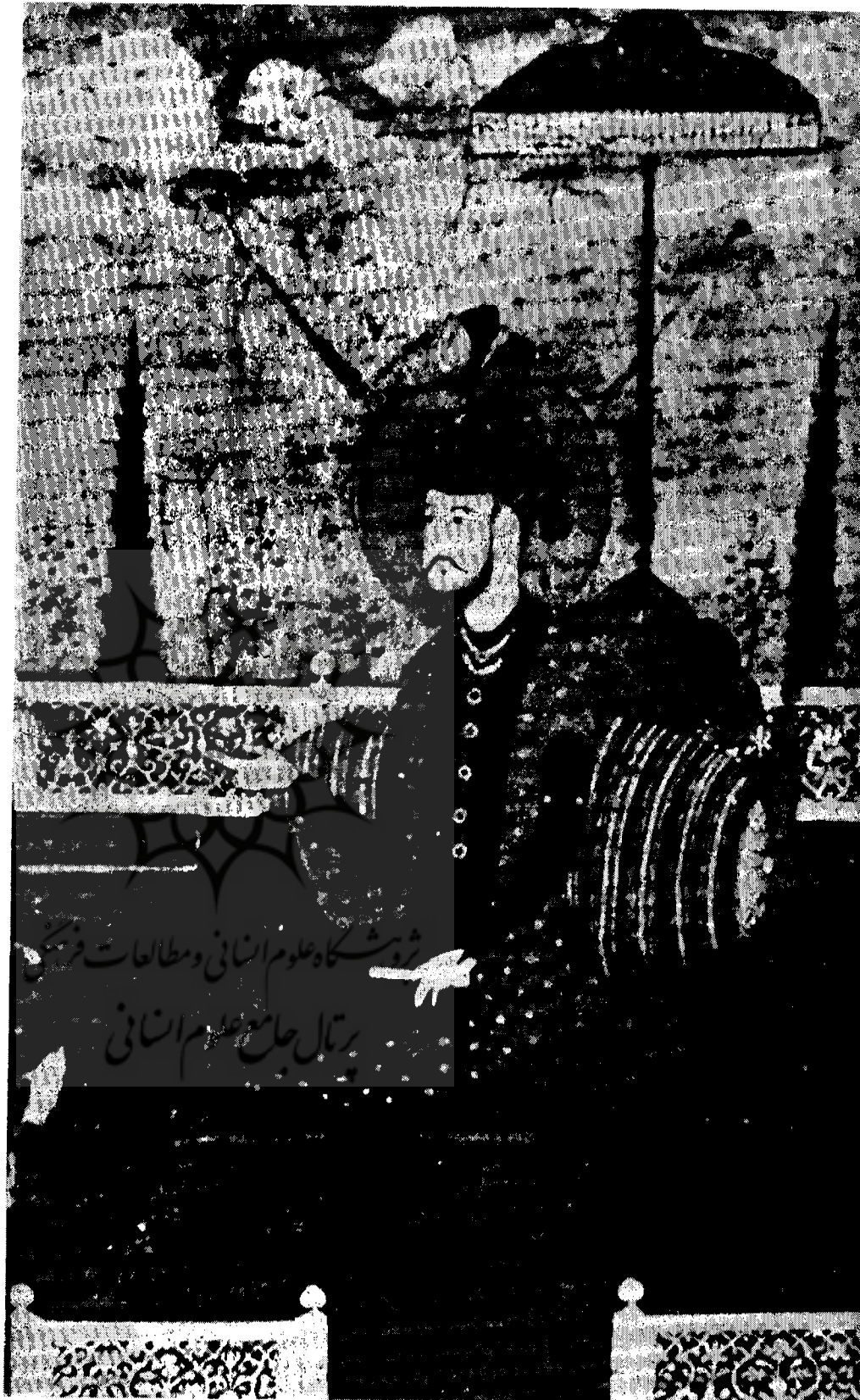
سپس بتفصیل می‌نویسد که قطب‌الدین را مأمور ساختم که ویرا گرفته به نزد من بفرستد و وی پیشنهاد می‌کند که به تنهائی با قطب‌الدین خان ملاقات و مذاکره کند درین ملاقات وی هم قطب‌الدین‌خان و هم ابنه‌خان سردار وی را می‌کشد جهانگیر داستان را این چنین بیابان می‌رساند:

چون قطب‌الدین‌خان را باین حال دیدند مردم هجوم آورده او را پاره پاره ساختند و بیجهنم فرستادند امید که همیشه در جهنم جای آن بدبخت بوده باشد . . .

ورق ۵۶ و ۵۷ توزک خطی متعلق باینجانب توضیح آنکه نسخه چاپی توزک در هند بکلی نایاب است و بنده که بسیار مشتاق این کتاب بودم سرانجام ناچار به خرید نسخه خطی متأخر و مغلوپ شدم و این همان است.



نور جهان ، ملکه ایرانی جهانگیر که از
برگترین مشوقان و مروجان فرهنگ
و هنر ایران درهند است . وی ابتدا
همسر شیرافکن خان بود و شش سال پس
از کشته شدن شیرافکن به همسری جهانگیر
تن در داد و شهبانوی امپراتوری هند شد
نقاشی متأخر از قرن ۱۸ است .



همایون دومین پادشاه بابر هند که مدت
یکسال در ایران بسربرد و هنگام بازگشت
مجموعه‌ای از آثار هنری ایران را با خود
به هند برد. «از کتاب تاریخ خاندان
تیمور درهند».

این عمل یعنی قرار گرفتن آقا رضا در رأس مکتب جهانگیری سبب شد که در مکتب نوین باری اثرات جدیدی از نقاشی ایرانی اخذ و جذب شود، اما همینکه جهانگیر سلطنت رسید کتابخانه‌ای را بچنگ آورد که حاوی صدها جلد کتاب خطی و هزاران نقاشی بود و وی چنان ذوقزده این کتابخانه را بررسی کرد که در همان نخستین روز سلطنت بسیاری از کتابها را مرور نمود و بخط خود عبارتی در صفحه اول آن یادداشت کرد که امروز گروهی از آن در دست ماست، از آن جمله ظفرنامه اکبر که حاوی دواثر از بهزاد است.^۶

- ۳۲ -

تفاوت اکبر و جهانگیر در کار اداره نقاشخانه بدینگونه بود که اکبر اعتبار کافی در اختیار نقاشخانه می‌گذاشت و آنها آزاد بودند که بسلیقه خود کتابها را تهیه و مصور سازند، اما جهانگیر که خود هنرمند و هنرشناس و خالی از گرفتاریهای سیاسی و اداری مملکت بود در کار نقاشان مداخله می‌کرد و هنرمندان زیر نظر مستقیم و طبق دستور وی کار می‌کردند، از طرف دیگر آثار معتبر ایرانی و هندی (که به فارسی و از سانسکریت ترجمه شده بود) همه مدون و مصور شده بود و کم‌کم تهیه آنها تکراری و ملول کننده گردید بطوریکه شاهزاده دانیال برادر جهانگیر که وی نیز از علاقمندان به آثار هنری بود در حاشیه یک شیرین و فرهاد خطی نوشت: تا کی از داستان شیرین و فرهاد حکایت می‌شنویم کاش روزی برسد که از خودمان چیزی بگوئیم و بشنویم و ببینیم.^۷

- ۳۳ -

تحولی که در کار هنری مکتب باری در عصر جهانگیر رخ داد معلول روح و ذوق و محیط اجتماعی عصری است که جهانگیر و شهبانوی ایرانی‌اش نور جهان خلق کرده بودند، جهانگیر ذاتاً مردی با ذوق و طبیعت دوست بود در خاطر ایش تو زو ک جهانگیری می‌خوانیم که هر جا هر چه طبیعی و زیبا و اصیل بود وی بدان علاقه داشت و حتی برای خود یک باغ وحش اختصاصی ترتیب داده بود و مرغان و جانوران گوناگون در آن گرد آورد و از گوشه و کنار جهان نیز فرستادگانش به بررسی و تهیه مرغان و جانوران تازه سرگرم بودند. وی در کتاب خود بارها از وضع زندگی و نژاد و تخم‌کشی حیوانات سخن‌وری می‌کند، کاری که تقریباً در آن اعصار بیسابقه بود، در کشمیر وی باغهای بزرگی احداث کرد که هنوز هم در زیبایی و طراوت بی‌نظیرند، اگر چه در کشمیر از عهد اکبر نیز باغهایی هست اما فرق باغهای جهانگیر با باغهای اکبری درین است که سراسر باغهای اکبری را چنارهای بسیار کهنسال پوشانده است در صورتیکه باغهای جهانگیری جویبارها و گلزارها و آلاچیقها و فواره‌هایی با زیبایی خیره‌کننده داشته و دارد، وی هر چه را که زیبا بود می‌پسندید و دستور می‌داد نقاشان شکلش را بکشند،

نیز جزو این شاگردان بود و این گروه از همان ابتدا سرگرم ساختن مرقعاتی بودند که یکی از آنها امروز در موزه هنری بستن امریکاست، کتاب انوار سهیلی محفوظ در موزه بریتانیا در سال ۱۶۱۰ برای جهانگیر و تحت سرپرستی و نظارت آقارضا تهیه شد، دو نقاشی ازین کتاب با تاریخهای ۱۶۰۴ و ۱۶۰۵ کار آقارضاست. گذشته از آقارضا چند هنرمند دیگر نیز در تهیه این کتاب همکاری داشتند که نه نامشان را در مکتب هنری اکبری دیدیم و نه در عصر امپراتوری جهانگیر و شاهجهان از ایشان ذکر بمیان می‌آید از آن جمله است: موهان - عبدالسلیم - رحمان‌قلی و گوهر داس. این کتاب مجموعه خوبی است برای نشان دادن تحول مکتب اکبری به مکتب جهانگیری، رنگهای درخشان و تند زمان اکبر در اینجا برنگهای ملایم و طبیعی مبدل شده‌اند، خواهیم دید که این از خصوصیات مکتب جهانگیری است، سایه زنی و ترکیب مطلوب برای مناظر طبیعی نیز که بعدها در مکتب جهانگیری معمول شد و تکمیل گردید در برخی از نقاشیهای این کتاب بچشم می‌خورد، یکی دیگر از نسخ خطی جالب این دوره نسخه‌ای است از حافظ که در موزه بریتانیا حفظ می‌شود و هشت مجلس دارد که در آن نه تنها تصویر امپراتور بلکه درباریان و زعمای دولت نیز در فرصتهای مختلف طراحی و نقاشی شده‌است تاریخ اتمام این نسخه ۱۰۱۷ (۱۶۰۹) است. سومین نسخه خطی مهم ازین دوره یک خمسه امیر خسرو دهلوی است که در کتابخانه ملی پروس برلین (Prussische Staatsbibliothek) نگهداری می‌شود، سر تومس آرنولد و پروفیسور آدولف گراهام در اثر معروف خود Islamic Book چهار نقاشی ازین کتاب را چاپ کرده‌اند (شماره‌های ۸۷-۸۴) که یکی از آنها کار میرهاشم است و نشان می‌دهد که در آن عصر با اینکه مکتب جهانگیری تأسیس شده بوده است هنوز آثاری از ویژگیهای مکتب اکبری رعایت می‌شده‌است، اگر چه این نسخه دارای تاریخ نیست اما باید در حدود سالهای ۱۰۱۸ (۱۶۱۰) ببعدهای همان عصر تدوین و کتابت انوار سهیلی تهیه شده باشد.

ازین دوره فقط این چهار اثر را می‌شناسیم و با بررسی آنها این نتیجه را می‌گیریم که جهانگیر پس از استقرار در اریکه قدرت بتدریج راه خود را عوض کرد و روش کتابت نسخ خطی و مصور ساختن آنها را کنار گذاشت و به ساختن تصاویر جدا جدا فرمان داد، البته از عهد اکبر نیز همانطور که گفتیم برخی تصاویر منفرد برجای مانده است.

جهانگیر ولیعهد، بتقلید پدر و حتی پادشاهان و شاهزادگان صفوی برای خود کارگاهی مستقل ترتیب داد و آقا رضا که در سنین بالا از ایران بهند آمده بود استاد این کارگاه شد، اما وی نمی‌توانست از روش ایرانی خود باین سادگی انحراف یابد و درین مورد شاگردانش را نیز تحت تأثیر قرار می‌داد.

از استاد منصور در موزه کلکته تصویری از بوقلمون هست که بجزمت می‌توان گفت در سراسر اعصار هیچ استادی نتوانسته است در شبیه سازی چیزی نظیر آن و قابل قیاس با آن تهیه کند^۸ يك نقاشی نظیر این تصویر بوقلمون نیز در موزه جنوب کن‌زینک تن هست .

جهانگیر هروقت که حیوان یا گیاهی را می‌دید و از زیبایی یا خارق‌العاده بودن آن تعجب می‌کرد ، دستور می‌داد که از رویش نقاشی کنند ، مثلاً در کتاب خود شرح مبسوطی درباره يك زرافه دارد که از افریقا برایش فرستاده بودند ، استاد منصور بدستور امپراتور دست بکار می‌شود و نقش حیوان را می‌کشد ، جهانگیر بخط خود در زیر این اثر نوشته است : شبیه زرافه‌ای که ترکان همراه میرجعفر در سال ۱۰۳۰ از حبشه آوردند و این تصویر را نادرالعصر منصور در سال شانزدهم پادشاهی من کشیده است ، نقاشی دیگری نیز از زرافه هست که به موزه بستن تعلق دارد^۹ . یکی دیگر از خصوصیات عصر جهانگیری وضع خاص روابط وی با ایران است ، در آن عهد در ایران شاه عباس بزرگ سلطنت داشت که وی نیز از مشوقان بزرگ ادب و هنر شمرده می‌شد و چه بسا رقابت‌های مطلوب که دو پادشاه داشتند و این رقابت‌های دوستانه به ترویج ادب و هنر می‌انجامید ، معروف است که در اواخر عهد جهانگیر شاعری از دربار صفوی به دربار جهانگیر آمد و جهانگیر از وی سبب مهاجرت و تغییر عقیده را پرسید وی در جواب گفت :

تاك را رحمت رسان ای ابر نیسان در بهار

قطره تا می می‌تواند شد چرا گوهر شود

شاه از شنیدن این بیت که بسیار پرمعنی و همراه با کنایه‌ای شیرین بفتح جهانگیر بود ، دچار وجد و سروری فوق‌العاده شد و دستور داد که به شاعر یکصد هزار روپیه صله بدهند و در همین جلسه بود که نواده جوان جهانگیر داراشکوه نیز فی‌البدیهه گفت :

سلطنت سهل است خود را آشنای فقر کن

قطره تا بریا تواند شد چرا گوهر شود

میان شاه عباس و جهانگیر مکاتبات و مراودات بسیار صورت می‌گرفت و شاه عباس بازی شکاری برای جهانگیر فرستاده بود ولی این باز نتوانست آب و هوای هند را تحمل کند و تلف شد . بفرمان جهانگیر از روی بدن مرده باز استاد منصور نقشی کشید که هنوز زنده و گویاست^{۱۰} .

- ۳۴ -

شبیه سازی و مصوری در عهد جهانگیر به ساختن صورت‌های منفرد محدود نشد ، در صحنه‌های گروهی نیز نقاشان سعی داشتند که صورت هر يك از شرکت کنندگان را شبیه بخودش بسازند ، نمونه کامل این سبک کار ، يك نقاشی است از دربار جهانگیر حامل صورت ۶۸ شخصیت درباری که امروز در موزه بستن

۴ - نسخه اصل این نقاشی در مجموعه چستربیتی است و بشماره ۶۲ از جلد سوم Library of Chester Beatty بچاپ رسیده است . کپی دیگری از همین نقاشی نیز در جزو نقاشیهای آل‌بوم شاه جهان در سال ۱۹۲۹ توسط مؤسسه Southby لندن به گورکیان فروخته شد که درین یکی نقاش با قلم خود نوشته است مریدزاده با خلاص ابوالحسن ، پیش ازین که این آل‌بوم از هند خارج شود در سال ۱۹۱۱ در نمایشگاه بزرگی که در دهلی برپای شد این اثر را نیز بنمایش گذاردند نگاه کنید به :

Loan Exhibition of Antiquities, Coronation Darbar 1911 - Lot 109.

۵ - یکی از دشمنان اکبر همیوم نام داشت ، اکبر دستور داد که تصویری از وی بسازند تا آنرا با دست خود منهدم سازد . ازقراری که ابوالفضل می‌نویسد در همان ساعتی که امپراتور تصویر را پاره می‌کرد سردارانش آن دشمن مقتدر را از پای درآوردند نگاه کنید به توزوک جهانگیر جلد اول ص ۱۹ ، چاپ نولکشور .

۶ - این دو نقاشی ظفرنامه دارای امضا نیست اما از روش کار و رنگ آمیزی و سایر خصوصیات می‌توان گفت که از بهزاد است سر توماس آرنولد آنها را از بهزاد می‌داند و دلیلش این است که جهانگیر در ورق سفید اول کتاب آنها را از بهزاد می‌داند و باین ترتیب جهانگیر را بعنوان يك هنرشناس معرفی می‌کند .

۷ - اردشیر در ص ۲۳ شماره سه از دوره دوم مجله روپالکا می‌نویسد که شاهزاده دانیال این یادداشت را در اول کتاب سوزوگداز منسوب به نوح متملق به موزه بریتانیا نوشته است و در آخر این مصراع را آورده : سخن نو آر که نو را حلاوتی است دگر .

۸ - نقاشی از بوقلمون نیز در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن هست که امضای منصور دارد :

عمل بنده درگاه منصور نادرالعصر که لقب وی جهانگیر شاهی روی این عبارت نوشته شده . در بالای این نقاشی قطعه به نستعلیق بدون نقطه نوشته شده باین شرح :

نوشته شد بطریق کنایه بر در روضه امام هشتم :

هست در مدح امام هشتم این نظم بدیع

وارث علم نبی بعد امیرالمؤمنین

آن شهنشاهی که آمد آستان عزتش

کعبه ارباب دولت قلمه اصحاب دین

این هم از آثار فیض او بود کین نظم او

سال تاریخ آمده مدح امام هشتمین

۹۲۹

الکاتبه الفقیر المذنب میرعلی الکاتب سریوبه و در یائین آن غزلی با این مطلع :

چو ترک مست من آلوده شراب درآید

ز شور او نمکی در دل کباب درآید

والبتنه معلوم است که این دو قطعه را بعدها به آیین نقاشی افزوده‌اند این اثر را هاون گامبلی در تحت شماره ۹۵ در کتاب خود شهرهای مغولی هند بهترین وجهی بچاپ رسانده است .

۹ - این نقاشی نیز از آل‌بوم شاه جهان است که بموزه جنوب کن‌زینک تن لندن تعلق دارد و تصویر آن زرافه که در امریکا در کانالک مجموعه‌های هندی در موزه هنرهای زیبایی بستن بخش شش شماره ۴۲ توسط استاد کوماراسوامی بچاپ رسیده است .



حفظ می‌شود^{۱۱} و یک نمونه دیگر آن را پرسی براون در کتاب خود آورده است که در آن ۴۲ صورت شبیه سازی شده و بسیاری دیگر که ذکر آن موجب تطویل است، در حالیکه انسان باید اصل این نقاشیها را مشاهده کند تا بزیبائی خیره کننده ودقت ومهارت نقاش پی برد، نکته جالب در تهیه این مجلسها اینست بعضی خصوصیات نقاشی شرقی وغربی در آن جمع شده مثلاً با اینکه رعایت بُعد سوم را نقاش کرده است اما اثری از انحناى مناظر که واقعاً وجود دارد و در نقاشی غربی هم رعایت می‌شود بی چشم نمی‌خورد، اصولاً بُعد سوم که در نقاشی مشرق زمین هیچ نقشی را برعهده نداشت، در عصر بابریان مورد توجه هنرمندان قرار گرفت وجای خود را در آثار گرانقدر این عصر باز کرد، در مینیاتورهای ایران عقب صحنه همیشه تپه ماهور است و گاهی صورتهائی به همان درشتی جلو صحنه‌ها ولی درین آثار بابری در عقب صحنه مناظر واشخاص با رعایت فاصله نقاشی شده‌اند.

برای هنرشناسانی که در هنر بابری تحقیق می‌کنند این مسئله قابل بحث است که این گرایش از کی و چگونه آغاز شد. آیا آمیزش جهانگیر با عیسویان که در میانشان آثار هنری وهنرمند نیز وجود داشت علت اصلی این امر شد، یا اینکه تجاوز هنرمندان از داستان وماجرا به زندگی اصلی درباری سبب شد که آنطور که می‌بینند نقاشی کنند نه آنطور که فکر می‌کنند و یاد گرفته‌اند، نفوذ هنر اروپائی بیشتر متوجه دوره شاهجهان است که خود سبب انحطاط شد، همانگونه که در ایران نیز پس از عصر اعتلای هنر صفوی با نفوذ سبک‌های اروپائی نقاشی اصیل ایرانی عصر رکود وانحطاط خود را آغاز کرد. حتی در مورد نقاشیهای دیواری نیز که یک هنر کاملاً هندی بود جهانگیر تحولی ایجاد کرد وی در خاطرات خود می‌نویسد که در کشمیر دستور دادم در دیوارها بجای طرحهای مرسوم قدیم صحنه‌هایی از دربار و صورت بزرگان دولت را نقاشی کنند.

- ۳۵ -

یک مجلس از خمسه نظامی اردشیر که در سال ۱۹۷۳ در لندن به بهائی بسیار گراف فروخته شد. این نقاشی از عصر اکبر است و آثار نفوذ نقاشی هندی را در چهره‌ها می‌توان یافت. لباس و چهره معشوقه کاملاً هندی است، گذشته از آن دو هیولای کوچک که در قسمت بالای نقاشی جست و خیز می‌کنند نیز تقلیدی است از اساطیر هندو، از اینها که بگذریم این مجلس یک مینیاتور کاملاً ایرانی است که برای این خمسه مکتوب در ایران در عصر متقدم اکبر تهیه شده است.

کتاب مهمی که در عصر جهانگیر تهیه شد و مصور گردید توزوک جهانگیری یا خاطرات امپراتور است که کاری بود شبیه به توزوک بابری و اکبرنامه و امروز از هر دوی آنها معروفتر و معتبرتر است توزوک را خود جهانگیر می‌گفت و می‌نوشت البته برخی از قسمت‌های نخستین آنرا بدستور وی نوشتند، در پایان کار نیز از نوشتن دست کشید و کتاب را دیگران به پایان رساندند^{۱۲}.

جهانگیر نخستین نسخه توزوک را برای کتابخانه سلطنتی تهیه کرد سپس فرمان داد که نسخه‌ای نیز برای اعتمادالدوله پدر نورجهان که بوی از طرف شاه عمو خطاب می‌شد کتابت شود و مصور گردد و مدتی بعد نسخه‌ای نیز برای آصف خان برادر

نورجهان که بزرگترین شخصیت درباری پس از اعتمادالدوله بود تهیه شد آخرین نسخه معتبر و مصوری که بفرمان جهانگیر از توزوک ساخته شد نسخه‌ای بود که به شاهجهان اعطا گردید.

بود که پشت سر هم و در انتهای کتاب قرار می‌گرفت متناسفانه هیچیک از این کتابها بطور کامل بدست ما نرسیده است و فقط قسمتهائی از آن را در کتابخانه رضا رامپور می‌توان یافت^{۱۳} که خود کافی است برای درک زیبایی و اهمیت کار که چه شاهکاری عظیم بوده است. همانطور که می‌دانیم و تذکر داده شده است، جهانگیر دائماً با شاه‌عباس در ارتباط بود و حتی برای تکمیل کار همین مرقع‌ها بشنداس نقاش معروف دربار خود را بایران فرستاد که چهره شاه‌عباس را بکشد و بشنداس چنین کرد و این نقش از شاه‌عباس اصیل‌ترین و بهترین تصویری است که ما امروز از پادشاه بزرگ صفوی داریم.

نقاشی دیگری هم در دست است که بفرمان جهانگیر تهیه شده و در آن ملاقات خیالی دو پادشاه صورت می‌گیرد و جهانگیر و شاه‌عباس بر روی تختی کنار هم نشسته‌اند در طرف چپ آصف‌خان ایستاده است و در نقش ساقی شراب می‌ریزد و در طرف راست خان عالم سفیر مخصوص جهانگیر در دربار شاه‌عباس ایستاده و باز در دست دارد که البته این باز یادآور همان بازی است که شاه‌عباس برای جهانگیر فرستاد، در بالا دو فرشته هشت دائرة کوچک را که بشکل هلالی دور هم چیده شده و حامل اسامی

۱۰ - نگاه کنید به ص ۲۸۴ توزوک. این نقاشی نیز در کاتالک مجموعه‌های هندی در امریکا بخش شش شماره ۴۱ کلیشه شده است. این داستان یادآور بازی است که محبوب شاه‌عباس بود و سرانجام در نظرنکه شکارگاه مخصوص شاه بود مرد و شاه آنچنان از مرگ وی متأثر شد که فرمان داد در بالای کوهی کوتاه ولی صخره‌ای و تند و تیز مقبره‌ای برای آن جانور بسازند که هنوز هم وجود دارد و بنام گنبد باز (گنبد باز) خوانده می‌شود.

یک نقاشی دیگر نیز در موزه بریتانیا در لندن هست که در نیمه دوم عصر جهانگیر تهیه شده شماره ۲۸ از مینیاتورهای هندی بوساگی.

۱۱ - شماره ۳۶ از بخش ششم کاتالک مجموعه‌های هندی در موزه بستر و نیز نخستین نقاشی کتاب پرسی براون که صحنه‌ای از دربار جهانگیر و توسط گوازه‌ها کشیده شده این نوع نقاشی بعدها نیز تهیه شد که بهترین نمونه آن دربار اکبر شاه دوم است (۳۷-۱۸۰۶) در دیوان خاص قلعه سرخ دهلی، اکبر شاه بر تخت مرمرین این دیوان نشسته است و به طرفه گذشته از صورت شاه ۴۵ صورت دیگر نیز درین نقاشی طرح شده و از آن جمله است چهره یک فرد انگلیسی که نماینده کمپانی هند شرقی انگلیس مقیم دهلی است در دربار اکبر شاه، چهره یک زن هم درین نقاشی نمایانده شده است که در صف مردان ایستاده، این نقاشی به دیوان هند لندن تعلق دارد و هاون گامبلی آنرا تحت شماره ۱۲۰ در کتاب خود شهرهای مغولی هند گراور کرده است و اخیراً مهندس هادی انتخابی رایزن نفتی ایران در هند نیز کپی‌های دیگر از همین مجلس را در هند یافته و خریداری کرده است.

۱۳ - برخی ازین نقاشیها را پرسی براون در کتاب خود گراور کرده است. در کتابخانه رامپور جمعا ۴ نسخه خطی از توزوک جهانگیری هست نگاه کنید به مقاله اینجانب در مجله وحید شماره دی ۱۳۴۸ نسخ خطی فارسی در کتابخانه ریاست رامپور.



ورقی از جهانگیر نامه (توزوک جهانگیری) شاه دریاغ روی تخت نشسته و در مراسم پختن آش بوقرا شرکت می‌کند. کار نادرالزمان است که در ۱۶۲۰ (۱۰۳۰) اجرا شده و امضای هنرمند را که روی پلکان تخت بوده است هنرمندان بعدی جابجا کرده‌اند.

درین کتابها وقایع مهم را نقاشی می‌کردند اما طرح و نقش با آنچه در زمان اکبر و عصر متقدم جهانگیر مرسوم بود تفاوت کلی داشت این تصاویر در حقیقت یک مرقع یا آلبوم

پدران جهانگیر از اکبر تا امیر تیمور است در دست دارند و در داخل این هلال روی نیمکره‌ای شبیه نیم خورشید نوشته شده است شبیه حضرت نورالدین جهانگیر پادشاه اینها با چهار بیت شعر که در بالا و پائین میناتور نوشته‌اند بخط نستعلیق بسیار خوب کتابت شده سپس جهانگیر بخط خود در بالای سر شاه عباس نوشته است شبیه برادرش شاه عباس و نام دوسردار را هم در کنار صورتشان نوشته است.^{۱۴}

- ۳۶ -

مهمترین و نام‌آورترین اثری که از دوره جهانگیر بر جای مانده آلبومهای مصوری است که بنام عمومی مرقع خوانده می‌شوند این مرقعات شامل دو نوع اثر بوده‌اند یکی آثار استادان قدیم که بطور منفرد به دستگاه سلطنت می‌رسیده، دوم آن کارهایی که بدستور شاه توسط نقاشان معاصر تهیه می‌شده است ازینرو کارهای جمع‌آوری شده همه بیک اندازه نبوده‌اند و وراقان و صحافان آنها را بروی کاغذهای بزرگ‌تر که مساوی بوده می‌چسبانده‌اند بطوری که تشخیص صفحه نقاشی شده از صفحه حامل بسختی امکان‌پذیر بوده است، بزرگی و کوچکی نقاشیها را با بزرگی و کوچکی کردن حاشیه جبران می‌کرده‌اند، اثر هنری را در وسط صفحه کمی نزدیک بوسط کتاب می‌چسبانده‌اند و در حاشیه گلکاری یا خطاطی با آب طلا یا رنگ می‌کردند. ساختن حاشیه طلاکاری شده از نیمه اول قرن ۱۵ آغاز شد تا اوایل قرن ۱۶ که بهترین حواشی طلاکاری را ایرانیان خلق کردند، درین حاشیه‌ها گل و حیوان و درخت و برخی صحنه‌ها با رنگ یا آب طلا ترسیم می‌شد، بهترین نمونه حاشیه سازی را در کتاب خمسه نظامی متعلق به دیس برین می‌توان مشاهده کرد کتابی که برای امپراتور اکبر تهیه شد اما در عصر اکبر اینکار رونق چندانی نداشت و جهانگیر که توجهش به ساختن مرقع معطوف بود این رشته هنری را ترقی داد و باوج رساند. در حاشیه سازی زمان جهانگیر نقش انسانها نیز ترسیم می‌گردید. درین دوره نقاش طرح را می‌داده است و طلاکار آنرا تکمیل و مزین می‌کرده است.

نوع خاص حاشیه سازی در هند که فاقد نقش انسان و حیوان بود بعدها تعمیم یافت و از کتابها به ساختمانها رسید که بهترین نمونه آنرا در تاج محل و مقبره اعتمادالدوله در آگره می‌توان دید در اینجا مرمر سفید نقش کاغذ را بر عهده دارد و گل و بوته را از سنگهای نیمه قیمتی می‌ساخته‌اند.

کارهای اصلی مرقعها اثر استادان بزرگ بود و برخی اوقات نیز بفرمان شاه از روی کار این بزرگان کپیبرداری می‌شد. در مرقعها برخی قطعه‌ها نیز گنجانده‌اند که معروفترین آنها قطعه‌هایی به قلم میرعلی است جهانگیر بقدری به این خطاط و خط وی توجه داشت که هنگام بررسی برخی از صفحات این مرقعها فقط در زیر صفحاتی که بخط میرعلی بود، نوشته یا

امضاء برجای می‌گذاشت جهانگیر بسیار علاقمند بود که میرعماد را بدربار خود بکشاند اما همانطور که می‌دانیم این هنرمند در ایران ناکام شد و فقط خانواده‌اش به سرپرستی عبدالرشید دیلمی خواهرزاده و جانشین وی به هند آمد. آنهم در عهدی که جهانگیر فوت کرده و شاهجهان حکومت می‌کرد.^{۱۵}

در تنظیم و تجلید مرقعها سعی می‌کرده‌اند که قطعه‌ها روبروی هم قرار گیرند و نقاشی‌ها روبروی همه ولی البته بسامی شده‌است که یک قطعه روبروی یک نقاشی قرار می‌گرفته است، بیشتر مرقعها از هم پاشیده و اوراق آن بطور پراکنده در دست مردمی است که با علاقه به گردآوری آن پرداخته‌اند و فقط تعداد معدودی ازین مرقعات بطور نسبی ازگرد آفات روزگار در امان مانده‌اند.

- ۳۷ -

تا حدودی که اطلاع داریم چهار مرقع از جهانگیر در دست علاقمندان یا در موزه‌ها و کتابخانه‌ها است، بشرح زیر:

۱ - آلبوم جهانگیر در کتابخانه دولتی برلین.^{۱۶}

۲ - آلبومی بنام Wantage Bequest در موزه کنزینگتن لندن قسمت هند.^{۱۷}

۳ - مرقع گلشن در موزه گلستان تهران (کتابخانه سلطنتی).^{۱۸}

۴ - یکی از دو مرقع اردشیر بنام جهانگیر که در حراج لندن اوراق شد و بفروش رسید.^{۱۹}

در شماره‌های ۱ و ۳ و ۴ حاشیه بسیار عالی است. تصور می‌شود که شماره‌های ۱ و ۲ در اصل یک مرقع بوده و سپس از هم جدا شده‌اند زیرا درین دوائر حاشیه‌ها دارای تصاویر انسانی است در حاشیه آلبوم شماره ۴ حیوان و انسان هر دو هست آنهم رنگی و در ۳ و ۴ نظم خاصی در میان نیست.

برای طلاکاری این حواشی از بهترین استادان استفاده شده است نام این استادان کم و بیش توسط خود ایشان یا کتابداران و رؤسای نقاشخانه یا شخص پادشاه ذکر شده است بطور دقیق نمی‌دانیم که این مرقعها در چه سالهایی تهیه شده‌اند ولی قدر مسلم اینست که برای ساختن آن سالهای متمادی صرف شده آلبوم جهانگیر متعلق به برلین طی سالهای ۱۸ و ۱۰۱۷ (۱۰-۱۶۰۹) و ۲۶ و ۱۰۲۵ (۱۸-۱۶۱۷) ساخته و پرداخته شده است.

با صرف وقت و دقت فراوان می‌توان اوراق پراکنده این مرقعها یا مرقعات مفقود شده را یافت و منظم ساخت فی‌المثل نقاشی بوقلمونی که در موزه کلکته هست یکی ازین ورقه‌ها می‌باشد که از مجموعه اصلی‌اش جدا شده^{۲۰} و تصویر شاه عباس و خان عالم که درباره‌اش صحبت کردیم متعلق است به موزه بستن^{۲۱} و صفحه از نقاشیهای آلبوم برلین در دست هنردوستان اروپائی است^{۲۲} و بسیاری ازین اوراق در دست هنردوستان هند است

۱۶ - کوئزل و گتتر E. Kuhn & H. Goetz این آلبوم را در طی کتاب معروف خود Indian Book Painting, London 1926 معرفی کرده‌اند که اصل آن Indische Buchmakerei der Staatbulihotehek Zu Berlin Berne 1924 می‌باشد. توپور هاجک می‌نویسد که این آلبوم نیز قسمتی از مرقع بزرگ گلشن بوده است که در سال ۱۸۶۱ توسط سفیر پروس در تهران به آلمان برده شده و شامل ۲۱ برگ است. برخی از برگهای منفرد این مرقع را نیز در مجموعه‌های خصوصی می‌توان یافت از آنجمله است مجموعه‌های متعلق به 'Martean' Sohn-Rethel دوبرگ از آن نیز درموزه پراگ (Naprestek) هست که همین توپور هاجک آنها را برای نخستین بار تحت شماره‌های ۸ و ۲ در کتاب خود بچاپ رساند. از قرار نوشته اردشیر این مرقع که در سال ۱۰۱۶ (۱۶۰۸) تهیه آن آغاز شده بود در ۱۰۲۲ (۱۶۱۴) تکمیل شد و توسط دوهنرمند معروف عصر جهانگیر باچند و گوردهان تنظیم گردید که البته بیشتر کارها متعلق بود به هنرمندان معروف عصر اکبر آقا رضا، منصور، فرخ بیگ، بشنداس، ابوالحسن، منوهر و... بعضی کارهای اروپائی نیز (از جمله کار رامبرانت بهام و دورر (Durer, Beham) نیز که از طرف مسیحیان گوا تقدیم شده بود بدان افزوده شد نمونه‌های خط خطاطانی مانند میرعلی، سلطانعلی مشهدی، محمدحسین عنبرین قلم و عبدالرحیم در آن جای داده شد در همین کتاب یکی از نقاشیهای آلبوم (یا مرقع) گلشن که منفرد افتاده و اکنون درموزه پراگ است معرفی می‌شود، درین جا شاهزاده سلیم نشسته و یک سگ تازی در کنارش ایستاده است، با حواشی مفصل و دوگراور اروپائی که بدان الحاق کرده‌اند. این برتره را هاجک یک کار ناقص از نوع کارهای عصر طهماسب اول می‌داند و می‌نویسد که می‌دانیم که سلیم (بعدها امیراتور جهانگیر) با حمایت و پشت گرمی به دربار ایران می‌خواست سلطنت را از پدرش که هنوز حیات داشت بگیرد و می‌دانیم که این نوع حمایت در عصر همین پادشاه صفوی از همایون بمل آمده بود، درین نقاشی که همه چیز ایرانی است لباس سلیم نیز کاملاً ایرانی است و دوعلامت مشخصه و تفریح مطلوبش جام شراب و سگ شکاری نیز با وی دیده می‌شوند، این نقاشی شبیه است به یک نقاشی دیگر از همین قماش که کار آقا رضاست و درموزه بستن است، ص ۷۴/۷۵ مینیاتورهای هند.

۱۷ - تصویر مینیاتورهای این مرقع را در کتاب Stanely Clark: Indian Drawings می‌توان دید.

۱۸ - درباره نقاشیهای این آلبوم نگاه کنید: Persian Miniature Painting, Gray. که کاتالک نمایشگاه نسخ خطی است که در سال ۱۹۲۰ در برلینگتن ترتیب داده شده و در سال ۱۹۷۲ تجدید چاپ گردید و آثار ایران سال ۱۹۳۷.

۱۹ - اردشیر خود بدان آلبوم جهانگیر نام داده بود، حاوی ۳۵ نقاشی که در حراج سال ۱۹۷۳ سوت‌بای لندن بفروش رسید و اینجانب موفق شد که کلیه مینیاتورها را بررسی و از روی همه آنها اسلاید رنگی تهیه کند.

۲۰ - شماره ۶۱ در مجموعه Indian Sculpture & Painting Hawell گراور شده است.

۲۱ - این نقاشی را بارها در کتابهای چاپ ایران از جمله شاه‌عباس بزرگ استاد فلسفی گراور کرده‌اند، نگاه کنید به کاتالک مجموعه‌های هندی درموزه هنرهای زیبای بستن قسمت ششم تصویر شماره ۳۵.

۲۲ - این دو نقاشی در مجموعه Indian Book Painting کونل و گتتر روبروی صفحات ۴۶ و ۴۸ گراور شده است.



یکی از صفحات مرقع جهانگیر اردشیر که در سال ۱۹۷۳ حراج شد. خطاطی توسط میرعلی کاتب صورت گرفته و هنرمندان دربار جهانگیر آنرا بروی کاغذ چسبانده حاشیه‌ای برایش ساخته‌اند، این حاشیه خاص هند است و بعدها در عصر جهانگیر به بدنه عمارات منتقل شد. تزئین صحنه‌های بزرگ مرمر سفید با سنگ‌های قیمتی.

از جمله سه کلکسیونر پارسی سابق الذکر (متأسفانه آنچه اردشیر جمع کرده بود حراج شد و پراکنده گردید) که هر یک چند ورق از آنها را در اختیار دارند.

۱۴ - این نقاشی تعلق دارد به گالری فریر درواشنگتن کار بی‌چی‌تر است و مؤسسه هنری لالیت کالا در جزوه‌ای که تحت عنوان نقاشی شاهان مغول انتشار داد بچاپ رسید و بوساگلی نیز تحت شماره ۵۰ آنرا چاپ کرد. نگاه کنید به مقاله اینجانب در هنر و مردم در شماره ۹۵: دوستی جاودانه.

۱۵ - نگاه کنید به کتاب نستعلیق نویسان دکتر مهدی بیانی ص ۳۹۵.